

دستان یکدیگر را در خدا قوت بخشیم

اول سموییل ۱۵:۲۳-۱۸

و داوود دید که شائول به قصد جان او بیرون آمده است و داوود در بیابان زیف، در جنگل، ساکن بود و یوناتان، پسر شائول، به جنگل آمده دست او را به خدا تقویت نمود و او را گفت: «مترس، زیرا که دست پدر من، شائول، تو را نخواهد جست و تو بر اسراییل پادشاه خواهی شد و من دومین تو خواهم بود و پدرم، شائول، نیز این را می‌داند.» و هر دو ایشان به حضور خداوند عهد بستند و داوود به جنگل برگشت و یوناتان به خانه خود رفت.

ما عمیقاً معتقدیم که باید کل اعضای کلیسا را تشویق نماییم که به گروه‌های کوچک در کلیسا بپیوندند تا یکدیگر را یاری نمایند که جنگ ایمان را به انجام رسانند. از این جهت، اکنون، تمرکزمان بر این مهم است: تقویت نمودن دستان یکدیگر در خدا.

امنیت ابدی، عملکرد دسته‌جمعی

ما باور داریم که امنیت ابدی عملکردی دسته‌جمعی است. ما باور داریم که ثبات قدم مقدسان مسوولیتی جمعی است. همان خداوند پرمحبتی که می‌فرماید: «گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند و من به آنها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچ‌کس آنها را از دست من نخواهد گرفت» (یوحنا ۱۰:۲۷-۲۸) این را نیز می‌فرماید: «هر که تا به انتها صبر کند نجات یابد» (متی ۱۳:۲۴).

به بیان دیگر، آنانی که از خدا مولود می‌گردند، تا ابد، در دستان عیسی ایمن هستند و آنانی که از خدا مولود می‌گردند باید تا به انتها تاب آورند تا در انتها نجات یابند. حال، این پرسش مطرح است: خدا چه راهی را مقرر نموده است که ثابت‌قدم ماندن قومش در ایمان را تا به انتها حفظ نماید که بتواند آن وعده مسلم را که آنها ایمن خواهند بود و هیچ‌کدامشان از دست نخواهند رفت تحقق بخشد؟

اکنون، بخش بسیار مهمی از این سوال را پاسخ می‌دهیم. خدا مقرر نموده است که ما با سایر ایمانداران در ارتباط باشیم، به شکلی که بتوانیم به یکدیگر یاری رسانیم که تا به انتها، هر روز، پیروزمندانه برای ایمانمان بجنگیم. پاسخ کتاب مقدس به این پرسش در رسالهٔ عبرانیان ۱۲:۳-۱۴ یافت می‌شود:

ای برادران، باحذر باشید مبادا در یکی از شما دل شریب و بی‌ایمان باشد، که از خدای حی مرتد شوید، بلکه هر روزه همدیگر را نصیحت کنید، مادامی که «امروز» خوانده می‌شود، مبادا احدی از شما به فریب گناه سخت‌دل گردد. از آن‌رو که در مسیح شریک گشته‌ایم، اگر به ابتدای اعتماد خود تا به انتها سخت متمسک شویم.

خدا طریقی را مقرر نموده است که به وسیلهٔ آن ما را قادر خواهد ساخت تا به انتها اطمینان خود را محکم بداریم. آن طریق این است که میان مسیحیان رابطه‌هایی به وجود آید تا در آن رابطه‌ها یکدیگر را یاری رسانند که وعده‌های خدا را محکم نگاه دارند، از فریب گناه بگریزند، هر روزه یکدیگر را نصیحت نمایند تا محکم بایستند و اسلحهٔ کامل خدا را بر تن کنند.

به عضویت گروه‌های مختلف مسیحیان درآید

ای بچه‌ها، دانش‌آموزان راهنمایی، دانش‌آموزان دبیرستانی، دانشجویان، مجردان، متأهلان، بیوه‌گان، مردانی که همسران خود را از دست داده‌اید! آیا همگی شما در جمع دوستان مسیحی و گروه‌های مسیحی قرار دارید؟ آیا در جمع گروه‌هایی قرار دارید که با خود عهد بسته‌اند تا یکدیگر را یاری رسانند که برای ایمانشان بجنگند و یکدیگر را در مقابل دست‌درازی زیرکانهٔ گناه پاسداری نمایند.

منظورم این نیست که اگر به گروهی کوچک و سازمان‌یافته متعلق نباشید نمی‌توانید نجات یابید. اما این را می‌گویم و باور دارم کلام خدا چنین می‌فرماید که اگر جای جمعی از یاران مسیحی در زندگی‌تان خالی است، شما در یکی از طریقه‌هایی که خدا مقرر نموده است تا در ایمانتان پایدار و ثابت‌قدم باشید کوتاهی کرده‌اید و بدانید که قصور نمودن از طریقه‌های فیض برای روح شما بسیار خطرناک است.

پس هدفی که اکنون در پی آن هستیم بسیار ساده است: می‌خواهم شما را تشویق کنم به گروه‌های کوچک مسیحیان ببینید تا بتوانید هر روزه یکدیگر را نصیحت کنید و نصیحت بشنوید تا جنگ ایمان را به انجام رسانید. باشد که به این مهم توجه نمایید و در موردش دعا کنید.

چهار درسی که از ملاقات یوناتان و داوود فرا می‌گیریم

اول سموئیل ۱۵:۲۳-۱۸ آیات مورد نظر ما در پیغام امروزند. این آیات آنچه لازم است در جنگ پیوسته ایمان به انجام رسد به سادگی اما بسیار اساسی به تصویر می‌کشند.

داوود در بیابان زیف که پنجاه کیلومتر از جنوب اورشلیم فاصله داشت از مکانی به مکان دیگر می‌رفت و می‌کوشید از دست شائول در امان بماند. شائول، پادشاه اسرائیل، کمر به قتل داوود بسته بود، زیرا می‌پنداشت که داوود رقیبی خطرناک برای تخت و تاج او است. یوناتان، پسر شائول، که داوود را دوست می‌داشت، وقتی باخبر شد که داوود در بیابان زیف ساکن است به نزدش رفت تا دست وی را در خدا تقویت نماید.

این رویارویی میان یوناتان و داوود، در خصوص یاری به یکدیگر به جهت جنگیدن برای ایمان، دست‌کم، چهار درس را بیان می‌دارد.

۱. همه به مشارکت مسیحی احتیاج دارند

استوارترین مقدسان و قوی‌ترین رهبران نیز به یاران مسیحی نیازمندند تا که دستانشان در خدا تقویت گردد. داوود استوار بود، داوود قوی بود، ولی داوود به یوناتان احتیاج داشت.

مشارکت مسیحی فقط برای نوایمانان نیست، مشارکت مسیحی برای همه ایمانداران است. ما هرگز به جایی نمی‌رسیم که به خدمت مسیحیان نیاز نداشته باشیم. اگر تصور می‌کنید در جنگ ایمان به نصیحت روزانه احتیاج ندارید، احتمالاً، دلتان به فریب گناه گرفتار شده است.

دل داوود موافق دل خدا بود. او جنگجویی برجسته بود و بی‌شک در قوت و تیزهوشی و درک عمیق الهیات بر یوناتان برتری داشت. اما آیه ۱۶ می‌فرماید که یوناتان رفت و دست او را در خدا تقویت نمود.

هرگز نپندارید که یک انسان آن‌قدر قوی است که نیاز ندارد در خدا تقویت گردد. هرگز نپندارید کسی آن‌قدر از شما برتر است که نمی‌توانید ابزاری در دستان خدا باشید تا او را قوت بخشید.

روی سخن چارلز اسپرچن با بسیاری از رهبران مسیحی بود که چنین نوشت:

سالها پیش، به افسردگی روحی بسیار بدی دچار شدم. رویدادهای سخت و دشواری بر من واقع شده بودند. ناخوش بودم و دل‌آشوب. از اعماق وجودم نزد خداوند فریاد برآوردم. پیش از آنکه برای استراحت به شهر مانتون بروم، واقعاً از نظر جسمانی در عذاب بودم، ولی چقدر بیشتر جانم در عذاب بود، زیرا روحم در هم شکسته بود. در آن تنگنا، این پیغام را موعظه کردم: «خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟» در آن مقطع، بیش از هر زمان دیگری که انتظارش را داشتم واجد شرایط بودم که این آیه را موعظه نمایم. در واقع،

امیدوارم شمار کمی از برادرانم این گفتار دردآور را عمیقاً تجربه کرده باشند. من تا آخرین حد گنجایشم، کاملاً، وحشت جانی را که خدا ترکش نموده است احساس کردم. آن تجربه تجربه خوشایندی نبود. از فکر اینکه دوباره از آن خورشیدگرفتگی جانم عبور کنم به لرزه می‌افتم. دعای من این است که هرگز دوباره به آن شکل عذاب نکشم (خودزندگی‌نامه، جلد دوم، صفحه ۴۱۵).

هدفم از بیان این مطلب آن است که می‌خواهم این نکته ملکه ذهن‌تان گردد که برجسته‌ترین مقدسان و دلیرترین جنگجویان هم نیازمند آن هستند که دستانشان در خدا تقویت گردد. در واقع، حملات شریر به آنها شاید که نیازشان را به همیاری شدیدتر گرداند. پس نخستین درسی که از آیات امروز فرا می‌گیریم این است که هرگز به جایی نمی‌رسید که به نصیحت روزانه احتیاج نداشته باشید. استوارترین مقدسان و قوی‌ترین رهبران نیز به یارانی احتیاج دارند که دستانشان را در خدا قوت بخشند.

۲. تلاش و تکاپویی آگاهانه

دومین درس این است که تقویت نمودن دست کسی در خدا مستلزم تلاش و تکاپویی آگاهانه است.

این قوت بخشیدن از روی قصد است. شما به ناگه تصمیم به انجامش نمی‌گیرید، شما برمی‌خیزید و به جنگل حارث می‌روید. آیه ۱۶: «و یوناتان، پسر شائول، به جنگل آمده دست او را به خدا تقویت نمود.»

اگر صبح که از خواب برمی‌خیزیم قصد کنیم دست کسی را در خدا تقویت بخشیم چه تغییری در کلیسایمان به وجود می‌آید! از روی تصادف نبود که یوناتان داوود را در جنگل حارث ملاقات کرد (اگرچه گاهی چنین پیش می‌آید!) او قصد نمود که برود و داوود را قوت بخشد. نشانه بلوغ مسیحیان این است که در زندگی‌تان قصد می‌کنید و فرصتهایی را به وجود می‌آورید که دست کسی را در خدا قوت بخشید. امروز یا این هفته قرار است دست چه کسی را در خدا تقویت بخشید؟ آیا در دایره یارانی قرار دارید که خود را متعهد می‌سازند (از روی قصد!) تا یکدیگر را یاری نمایند که به این شکل جنگ ایمان را به سرانجام رسانند؟

من خاطرات سمویل پیرس را مطالعه نموده‌ام. او یکی از کشیشان چنین گروه‌های کوچکی بود که به همراه جان ریلند، جان ساثکلیف، آندرو فولر، و ویلیام کری از بنیان‌گذاران جامعه خدمات بشارتی تعمیدی در سال ۱۷۹۲ به حساب می‌آمد. آنچه بیش از هر چیز دیگری در روابط این گروه به چشم می‌آید این است که آن مردان یکدیگر را دوست داشتند، با یکدیگر دیدار می‌نمودند و اساساً متعهد بودند که دستان یکدیگر را در خدا قوت بخشند و حتی زمانی که از یکدیگر دور بودند نیز از این مهم باز نمی‌ایستادند.

سمویل پیرس بیش از یک سال انتظار کشید تا اولین نامه از کری که به هندوستان رفته بود به دستش رسید. زمانی که نامه آمد، در جوابش چنین نوشت:

آنچه نوشته بودی قوتی تازه به ما بخشید و دستان ما را بسیار در خداوند تقویت نمود. نامه را خواندیم، گریستیم، شکر گفتیم، و دعا کردیم. وه که جز مسیحیان چه کسی می‌تواند در راستای دوستی برای خداوند عزیزمان، عیسی مسیح، چنین لذتهایی را احساس نماید؟ (صفحه ۵۸).

آیا این عبارتی عالی نیست: «دوستی برای خداوند عزیزمان، عیسی مسیح.»

آنچه که امروز واقعاً از شما تمنا دارم این است که همگی شما دوستی‌هایی را شکل دهید که برای عیسی مسیح باشد. به عبارتی، یارانی موافق در ایمان داشته باشید که برای امید دادن و قوت بخشیدن، پیوسته، یکدیگر را به عیسی مسیح رهنمون سازید.

۳. تقویت نمودن یکدیگر در خدا

این سومین درس است. آن قوتی که باید به یکدیگر ببخشیم قوتی در خدا است نه در خودمان. آیه ۱۶ نمی‌گوید که یوناتان آن راه را پیمود و به جنگل حارث رفت تا اعتماد به نفسِ داوود را تقویت کند. یوناتان چنین نکرد. آن آیه می‌فرماید او برخاسته به نزد داوود در حارث رفت و دست داوود را در خدا قوت بخشید.

فرق است میان مشارکتهای مسیحی و سایر گروه‌های همیاری، خودیاری، و گروه‌درمانی. در گروه‌های مسیحی، نکته اصلی این است که برای یاری دادن و قوت بخشیدن یکدیگر را به مسیح رهنمون می‌سازند نه به انسان.

در اینجا، به ظاهر، تناقض وجود دارد: از یک سو، من می‌گویم به شما نیازمندم. خدا شما را مقرر نموده است که یکی از طریقهای فیض باشید تا به من یاری رسانید که تا انتها تاب آورم. از سوی دیگر، باید بگویم تنها راهی که شما می‌توانید واقعاً مرا یاری رسانید این است که چیزی بگویید یا کاری انجام دهید که باعث شود من به خدا تکیه کنم نه به شما.

دوباره به موضوعی می‌رسیم که همواره درباره‌اش صحبت کرده‌ایم: در هر آنچه انجام می‌دهیم، حتی در جمعهایمان، در مشارکتهایمان، و در دوستیهایمان، از اساس و بنیاد، خدا را در مرکز قرار دهیم. این دوستیها باید برای عیسی باشد. هر گروه مسیحی که پا به عرصه وجود می‌گذارد باید وجودش به منظور قوت بخشیدنِ دستان یکدیگر در خدا باشد نه در انسان. سومین درسی که از آیه امروز فرا می‌گیریم این است: «یوناتان به جنگل آمده دست او را به خدا تقویت نمود.»

۴. وعده‌های خدا را به یکدیگر یادآور شویم

سرانجام اینکه، یوناتان به چه شکلی داوود را تقویت نمود؟ ما چگونه دیگران را تقویت می‌نماییم؟ یوناتان چنین گفت (آیه ۱۷): «مترس! زیرا که دست پدر من، شائول، تو را نخواهد جست و تو بر اسراییل پادشاه خواهی شد و من دومین تو خواهم بود و پدرم، شائول، نیز این را می‌داند.»

یوناتان از کجا می‌دانست داوود پادشاه اسراییل خواهد بود؟ آنها دوستانی صمیمی بودند و نمی‌توان تصور کرد که داوود رویدادی را که در فصل ۱۶ بدان اشاره شده است با یوناتان در میان نگذاشته باشد، یعنی همان رویدادی که سموئیل نبی داوود را که یک نوجوان بود به منظور پادشاهی اسراییل مسح نمود. پس یوناتان برای قوت بخشیدنِ دستان داوود در خدا وعده خدا را به او یادآوری نمود (اول سموئیل ۱۶:۱۲). شائول نمی‌توانست بر داوود غلبه یابد، زیرا خدا با داوود بود. بنابراین، یوناتان با یادآوری اینکه سرنوشت داوود به اهداف خدا گره خورده بود دستان او را در خدا تقویت نمود.

درباره ما نیز به همین شکل است. ما با یادآوری نمودن وعده‌هایی از خدا که به طور خاص با نیازهای دیگران همخوانی دارند دستان یکدیگر را در خدا قوت می‌بخشیم.

اگر جای ویلیام کری بودید، که بیست و چهار هزار کیلومتر از وطنش فاصله داشت و در میان میلیونها غیر ایماندار فقط با یک یاور برای ایمان می‌جنگید، نیاز داشتید چه چیزی را از دوست خود بشنوید؟ شما به گفتاری چون گفتار سموئیل پیرس احتیاج داشتید، دوستی ارزشمند که می‌دانست چگونه دست کری را در خدا قوت بخشد. توجه کنید این نامه که در چهارم اکتبر سال ۱۷۹۴ نوشته شده است چگونه از وعده‌های خدا لبریز است:

برادر، آرزومندم کنارت باشم و در تمامی فرازها و نشیب‌های حملات شریکت‌گردم، حملاتی که فقط ترسویی و بزدلی می‌تواند باعث کامیابی آنها گردد. آری، فرمانده نجاتمان، پیش‌روییمان می‌خرامد. گاه، شاید حضورش را از ما برگیرد (اما قدرتش را نه) تا زبردستی ما را

در به کارگیری اسلحه‌های روحانی و زره آسمانی محک زند. آه، آیا کاری هست که ایمان زنده نتواند برای سرباز مسیحی انجام دهد؟ این ایمان آن منجی را از آسمانها خواهد آورد و او را با جامهٔ آغشته در خون به صف می‌آراید. او را در خط مُقدم جبهه جای می‌دهد و سرودی تازه در دهانمان می‌گذارد: «ایشان با بَرّه جنگ خواهند نمود و بَرّه بر ایشان غالب خواهد آمد.» آری، او غالب خواهد آمد. پیروزی حتمی است، حتی پیش از آنکه به میدان نبرد وارد شویم. تاج از پیش آماده گشته است تا پیشانی ما را بپاراید، همان تاج جلالی که هرگز از جلال آن کاسته نمی‌شود و ما از قبل عزم نموده‌ایم که با آن تاج چه کنیم. ما تاج را پیش پای آن فاتح می‌نهیم و می‌گوییم: «ما را نی ای خداوند ما را نی، بلکه نام خود را جلال ده!» در حالی که کل آسمان یک‌صدا متحد شده می‌سرایند: «مستحق است بَرّه» (خاطرات، صفحهٔ ۶۶).

البته همهٔ ما این عطیه را نداریم که یارانمان را با چنین گفتاری قوت بخشیم. ولی اگر ذهنتان را در کلام خدا غرق نمایید و همان‌طور که مزمور ۱ می‌فرماید، روز و شب، بر آن تأمل کنید، آن‌گاه، چشمهٔ آب زنده خواهید بود و دستان بسیاری را در خدا قوت خواهید بخشید. اکنون، خدا شما را به این مهم می‌خواند: بیایید دستان یکدیگر را در خدا قوت بخشیم! آمین.

جان پای پر

www.MahfeleEnjil.com